



شماره ۱۰

سال دوم ژوئن ۲۰۰۱



شبان

مهربانی مسیح‌گونه چیست؟

البته می‌دانم که با خواندن این سطور سؤالاتی برایتان مطرح می‌شود؛ ممکن است پرسید: «آیا مردم از مهربانی من سوء استفاده نخواهند کرد؟ اگر با بعضی‌ها مهربان باشم، آیا رفتار نیش‌دار خود را تغییر خواهند داد؟ آیا نباید به آنها نشان دهم که در اشتباهند؟ آیا آلت دست نامهربانان نخواهم شد؟» در مقابل، من نیز از شما این سؤال را می‌کنم: «شما به دیگران به چه چشمی نگاه می‌کنید؟ آیا فکر می‌کنید که دیگران وسیله‌ای هستند برای تحقق اهداف شما؟ یا اینکه شما خود را وسیله‌ای می‌بینید برای تحقق اهداف خدا؟» اما پیش از اینکه پاسخ سؤال مرا بدهید، بگذارید ببینیم مهربانی مسیح‌گونه چیست؟

او خود را با ما یکی ساخت

خدا مهربانی خود را از طریق عیسی به ما نشان داده است (افسسیان ۲:۷). بنابراین، اگر می‌خواهیم محبت و مهربانی او را

درک کنیم، و بدانیم که آن را چگونه باید به دیگران نشان دهیم، باید زندگی عیسی را مورد ملاحظه قرار دهیم. مهربانی عیسی را در این می‌بینیم که او خود را با ما یکی ساخت. در یوحنا ۱:۱۴ می‌خوانیم که او جسم شد و در میان ما ساکن گردید. او قدم به حوزه تجربیات ما گذارد و دانست که ما چه می‌کشیم و چه احساس می‌کنیم. مهربانی ما نسبت به دیگران نیز در این نمایان می‌شود که خود را جای دیگران بگذاریم و بکوشیم درک کنیم که آنان از چه تجربیاتی (بقیه در صفحه ۱۲)

«با یکدیگر مهربان باشید و رحیم، و همدیگر را عفو نمایید چنانکه خدا در مسیح شمارا هم آمرزیده است» (افسسیان ۳۲:۴).

مهربانی مسیح‌گونه

مهربان بودن با دیگران گواهی است بر خدادوستی ما، زیرا هر چه به خداوند ما عیسی مسیح نزدیکتر باشیم، مهربانی او را بیشتر در زندگی خود جلوه‌گر خواهیم ساخت. مهربانی صفت بارز خدای ماست. در عهدعتیق، محبت خدا به واسطه مهربانی و نیکویی او به قوم برگزیده‌اش بروز یافت.

در عهدجدید، مهربانی او در شخص مسیح به تحقق کامل خود می‌رسد. «تادر عالم‌های آینده، دولت بی‌نهایت فیض خود را به لطفی که بر مادر مسیح عیسی دارد، ظاهر سازد» (افسسیان ۷:۲).

مسیحیان این حکم را دارند که

مهربانی مسیح‌گونه‌ای از خود نشان دهند چرا که این گواهی است بر حیات نوین ما، و ثمره‌ای است از روح‌القدس (غلاطیان ۵:۲۲). مهربانی است که روابط گسسته را در خانواده و در کلیسایمان شفا می‌بخشد (افسسیان ۴:۳۲)؛ مهربانی است که بی‌ایمانان را به توبه می‌آورد (رومیان ۲:۴). مهربانی یعنی اینکه با دیگران همانگونه رفتار کنیم که مسیح با ما کرد؛ اینچنین دیگران مسیح را در ما خواهند دید. هر گاه مهربانیم، بیشتر شبیه مسیح هستیم.

با یکدیگر
مهربان
باشید!

می‌گذرند و چه می‌کشند. اخیراً پس از موعظه در یک جلسه، شخصی مهربان برای دعا به جلو آمد و چیزی گفت که مرا تکان داد؛ گفت: «احساس می‌کنم که با این موعظه، هر چه داشتید به ما دادید؛ حالا نوبت ماست که به شما بدهیم؛ اجازه بدهید برایتان دعا کنم!» از شادی او را در آغوش کشیدم. او مرا درک کرده بود. بسیاری از مردم اکنون منتظرند که کسی به سراغشان برود و نشان دهد که درکشان می‌کند.

او با ما همدرد شد

عیسی نه فقط با ما یکی شد، بلکه همانطور که عبرانیان ۱۵:۴ می‌فرماید، او با ضعف‌های ما همدرد شد. او نیامد تا ما را محکوم کند بلکه تا محبت و شفقت خود را به ما نشان دهد. وقتی با کسانی مواجه می‌شویم که دلسرد شده‌اند و خود را شکست خورده می‌بینند، خیلی آسان است که برایشان موعظه کنیم. خیلی آسان است که محکومشان کنیم. اما مهربانی این نیست. باید به یاد داشته باشیم که این مهربانی خدا بود که ما را به توبه هدایت کرد. ما بیشتر گرایش داریم که کسانی را که از نظر روحی سقوط کرده‌اند رها کنیم، و چندان خوش نداریم که با محبت به دادشان برسیم. مدتی پیش، با ترس در خانه دوستی را که سالها با من حرف نزده بود، کوبیدم.

غرور او را به ورطه افسردگی و انزوا کشیده بود. وقتی در را باز کرد و چشمش به من افتاد، سخت متعجب شد. گفتم: «اجازه می‌فرمایید مزاحمتان بشوم؟» او به گرمی از من استقبال کرد و سه ساعت به گفتگو پرداختیم؛ در آخر، سر خود را خم کرد و دعا کرد و از خدا درخواست بخشایش نمود. آیا شما کسی را سراغ دارید که در سلوکش با مسیح دچار شکست شده و نیاز به دلجویی و مهربانی شما داشته باشد؟ هر گاه با افتادگان و شکست خوردگان مهربان باشید، بیشتر شبیه مسیح هستید.

او عملاً به ما کمک کرد

اما مهربانی عیسی حتی از یکی شدن و همدردی با ما نیز فراتر می‌رود. در تیطس ۳:۴ و ۵ چنین می‌خوانیم: «لیکن چون مهربانی و لطف نجات‌دهنده ما خدا ظاهر شد... محض رحمت خود ما را نجات داد...» مهربانی به فراسوی مرزهای درک و توجه به افراد می‌رود؛ به جایی می‌رود که بتواند کمکی عملی و واقعی برای نیاز آنان فراهم آورد. ممکن است به درد دل مردم گوش فرا دهیم و با ایشان همدردی کنیم و اشک بریزیم، اما این کافی نیست! باید ایشان را به سوی مسیح هدایت کنیم و دستشان را در دستهای توانای او بگذاریم. مهربانی این است که با گناه سخت باشیم و با گناهکار

مشفق و ملایم. باید به روشنی به آنان بگوییم که باید توبه کنند و مطیع خدا گردند؛ باید در طریقت صلیب زندگی کنیم و آن را نیز به مردم تعلیم دهیم چرا که صلیب و طریقت آن، یگانه امید برای تغییر و دریافت زندگی نوین است. نمی‌توانیم با شکسته‌دلان و شکست‌خوردگان واقعاً مهربان باشیم مگر اینکه ایشان را نزد مسیح بیاوریم و به ایشان بیاموزیم که در طریقت او سلوک کنند.

فقط با قدرت روح القدس

هیچیک از ما نمی‌تواند به راستی مهربان باشد مگر اینکه قدرت روح القدس در او ساکن شود. سعی نکنید مهربانی را با قدرت جسم پدید آورید؛ بی‌فایده است. اگر با روح القدس سلوک می‌کنید، این نشانه‌ها ظاهر خواهند شد: (۱) نسبت به دیگران افکار مهربان خواهید داشت (امثال ۴:۲۳؛ رومیان ۱۲:۲)؛ (۲) گفتارتان با دیگران مهرآمیز خواهد بود (افسسیان ۴:۲۹)؛ (۳) رفتارتان با دیگران مهربان خواهد بود (رومیان ۱۲:۹-۲۱؛ کولسیان ۳:۱۲-۱۷). بارزترین گواه بر قدرت مسیح در زندگی‌تان، مهربانی شماست.

تت استیوارت

آگهی

بسیاری از همکاران ما با نام دکتر ویلیام میلر آشنا هستند. او یکی از میسیونرهای برجسته‌ای بود که زندگی خود را ایثارگرانه صرف خدمت به مسیحیت ایران نمود. سرگذشت زندگی پر بار او در کتابی به نام «My Persian Pilgrimage» در تعداد اندک در دفتر مجله موجود است. علاقمندان می‌توانند با ارسال مبلغ ۱۵ دلار آمریکا و ذکر نام و نشانی خود، این کتاب را دریافت دارند.

سرسخن

خوانندگان گرامی،

اکنون که به فصل تابستان نزدیک می‌شویم، همه ما همکاران مجله **شبان** آرزو داریم که شما همسنگران عزیز بتوانید اوقات خوبی برای فراغت و تجدید قوا داشته باشید. خوب است که همگی ما که اکثراً گرفتار امور کلیسایی هستیم، وقت بیشتری را با خانواده خود صرف کنیم، از زیبایی‌های طبیعت که خدا آفریده محظوظ شویم، و به مطالعه چند کتاب مفید پردازیم. گفته اشعیا را به یاد بیاوریم که فرمود: «حتی جوانان هم درمانده و خسته می‌گردند و شجاعان به کلی می‌افتند، اما آنانی که منتظر خداوند می‌باشند، قوت تازه خواهند یافت...» (اشعیا ۴۰:۳۰ و ۳۱).

قطعاً بسیاری از شما همسنگران عزیز شنیده‌اید که خواهر ما خانم مری غفاری در تاریخ ۲۷ آوریل سال جاری نزد خداوند شتافتند. مری و ابراهیم غفاری ۳۳ سال پیش ازدواج کردند. ایشان «انجمن بین‌المللی مسیحیان ایرانی» (Iranian Christian International, ICI) را در سال ۱۹۸۰ بنیاد نهادند و به بسیاری از مسیحیان ایرانی کمک کردند تا در کشورهای امن پناه بیابند. ضمن درخواست تسلیات الهی برای برادر و همکارمان، آقای دکتر ابراهیم غفاری، از سوی همکاران **شبان**، یقیناً بسیار به‌جا خواهد بود که شما همسنگران عزیز نیز با کلامی تسلی بخش، با ایشان همدل شوید، البته اگر تا کنون مراتب همدردی خود را به اطلاع ایشان نرسانده باشید. نشانی ایشان به این شرح می‌باشد:

I.C.I., PO Box 25607, Colorado Springs, Co 80936, USA

در این شماره از **شبان**، خوشوقتی که مقاله‌ای از همکار عزیزمان، برادر مالکوم استیر، خواهیم داشت. برادر مالکوم در خدمت «کلیسای ایرانیان لندن» می‌باشند. ایشان به اتفاق همسرشان سالها در ایران خدمت کرده‌اند و نه فقط زبان فارسی را بسیار سلیس صحبت می‌کنند، بلکه به فارسی نیز می‌نویسند. برادر مالکوم با سفرهای تعلیمی خود به کلیساهای فارسی‌زبان اروپا، باعث برکت بسیاری شده‌اند.

همچنین از این شماره، سلسله مقالات جدیدی در باره رهبری و مدیریت در امور کلیسایی خواهیم داشت که همکارمان در مجله، برادر آرمان رُشدی تهیه دیده‌اند.

لازم است یادآوری کنم که چنانچه نیاز می‌بینید که مجله شبان را برای همکاران خود در محل خدمتتان تکثیر کنید، هیچ مانعی برای این کار وجود ندارد. مجله **شبان** اکنون به ۲۳ کشور مختلف ارسال می‌شود و به دست بیش از ۱۷۰ خادم می‌رسد. لذا هدایا و کمکهای شما ما را در انجام این خدمت یاری خواهد داد.

در خاتمه، همچون گذشته، از همسنگرانی که با ما تماس گرفته، ما را مورد تشویق قرار داده‌اند، سپاسگزاری می‌کنیم. بزرگترین دلگرمی ما این است که بشنویم همه ما در خدمت به مسیح سرگرمیم و با صلح طلبی، باعث شفای بدن مسیح می‌گردیم.

تت استیوارت

سر دبیر

مطالب این شماره:

- با یکدیگر مهربان باشید
(تت استیوارت) ص ۱
- پس چرا عوض نمی‌شویم؟
(مالکوم استیر) ص ۳
- مسح الهی (بخش ۳)
(ادوارد هوسپیان) ص ۴
- موعظه کتاب مقدسی (بخش ۵)
(تت استیوارت) ص ۵
- خادم در مقام مدیر (بخش ۱)
(آرمان رشدی) ص ۷
- طرح کلی برای تهیه موعظه
(تت استیوارت) ص ۱۱
- تریبون آزاد ص ۱۱

مجله **شبان**

مدیر و سردبیر:

کشیش تت استیوارت

دفتر مجله:

TALIM MINISTRIES, Inc.
P.O. BOX 471736
Aurora, Colorado 80047-1736
U.S.A.

Tel: +1-303-873 66 11
Fax: +1-303-873 62 16
tatstewart@compuserve.com

شبانان و خادمینی که این مجله را دریافت می‌دارند، می‌توانند نام و نشانی سایر خادمینی را که این مجله به دستشان نمی‌رسد، به دفتر مجله بفرستند تا مجله برای ایشان نیز ارسال گردد.

پس چرا عوض نمی‌شویم؟

نوشته برادر مالکوم استیر (Malcolm Steer)

ما توضیح داده، از آیه ۴ به بعد، شروع می‌کند به نوشتن راجع به شهوت، ناپاکی، خشم، بدخواهی و می‌گوید که ما باید این تمایلات دنیوی را در خود نابود کنیم (۳:۵ و ۸) و خود را به دلسوزی و مهربانی و فروتنی و ملایمت و صبر ملبس سازیم (آیه ۱۲). در واقع، او دقیقاً به آن دو نوع یا دو جنبه ضعف اشاره می‌کند.

سه دلیل برای ایجاد تغییر

مطابق این قسمت، پولس سه دلیل تشویق‌آمیز می‌آورد که چرا ما باید عوض شویم:

- ما با مسیح زنده شده‌ایم (آیه ۱) و زندگی ما اکنون با مسیح در خدا پنهان است (آیه ۳). به همین دلیل، اولین لغت در آیه ۵ «بنابراین...» است.

- ما آن انسان کهنه را با کارهایش از تن بیرون آورده‌ایم و انسان تازه را پوشیده‌ایم که در معرفت حقیقی به صورت خالق خویش در حال تازه شدن است (آیه ۹ و ۱۰).

- ما قوم برگزیده خدا می‌باشیم که مقدس و بسیار محبوب است (آیه ۱۲). پس در نتیجه، باز هم اولین لغت آیه ۱۳ (بقیه در صفحه ۹)

تجربه می‌دانیم که این تغییرات حتی برای خادمین به این سادگی صورت نمی‌گیرد. ممکن است بعضی وقت‌ها مثل پولس احساس کنیم که «من چه آدم بدبختی هستم! این بدن مرا به سوی مرگ می‌کشانند. کی می‌تواند مرا از دست آن آزاد سازد» (روم ۷:۲۴).

دو جنبه ضعف‌های ما

به نظر می‌رسد که این ضعف‌ها دو جنبه داشته باشد. یک جنبه به انسان درونی ما مربوط می‌شود با طرز فکر و افکار و احساسات و انگیزه‌هایش؛ این را فقط خدا می‌بیند و نه دیگران. جنبه دوم، بیرونی است که مخصوصاً به روابط ما با دیگران مربوط می‌شود.

**چند سال پیش، کتابی
با این عنوان منتشر شد:
«با چنین کلیسایی، دیگر
چه نیازی به شیطان!»**

چقدر جالب است که پولس در کولسیان فصل سوم، درست بعد از اینکه راجع به همه آن حقایق عالی در باره جلال مسیح و مقام

من بسیار تحت تأثیر مقاله «خدا چگونه انسان را عوض می‌کند» در شماره نهم مجله شبان قرار گرفتیم؛ معتقدم که این مطلب یکی از مهم‌ترین موضوعات در خدمت ماست. به دنبال این قضیه و با توجه به تجربه خودم، خواستم علاوه بر مطالبی که ذکر شد، چند نکته دیگر را اضافه بکنم.

تغییر ساده صورت نمی‌گیرد

مطلبی که نوشته‌ام مبنی بر کولسیان ۱:۱-۱۷ می‌باشد. عنوان این قسمت در ترجمه جدید فارسی «اصول حاکم بر یک زندگی مقدس» می‌باشد. این رساله بی‌ظنیری است که برتری مسیح را نشان می‌دهد (۱:۱-۱۷) و همچنین این حقایق را که او در ماست (۱:۲۷) و ما در او کامل شده‌ایم (۲:۱۰). اما تجربه روحانی ما اغلب به این مقام نمی‌خورد. چرا حتی ما خادمین سقوط می‌کنیم و شکست می‌خوریم؟ چرا ما در روابطمان با دیگران مشکل داریم؟

چند سال پیش، کتابی با این عنوان منتشر شد: «با چنین کلیسایی، دیگر چه نیازی به شیطان!» موضوع این کتاب راجع به شکایت، عدم اتحاد، و غیبت بود! بله، خدا قادر است انسان را عوض کند، اما ما به

(دنبالهٔ صفحه ۳)

«بنابراین...» است.

اما این تغییرات چگونه صورت می‌گیرد؟ از طریق «ریاضت» و «ریاست»، ریاضت ما و ریاست مسیح بر ما.

سهم ما: ریاضت روحانی

همانطور که پولس در کولسیان ۲:۲۳ به آن اشاره می‌کند، ما به خوبی می‌دانیم که ریاضت بدنی به درد تقدس ما نمی‌خورد. ولی انضباط نفس، پرهیزکاری، و خویشتنداری در زندگی ایمانداران خیلی اهمیت دارد.

زن و زر و زور!

تجربه نشان می‌دهد که حتی خادمین خداوند مورد وسوسه زن و زر و زور (غرور) قرار می‌گیرند. پس ما چقدر باید مواظب خودمان باشیم. حتی در رابطه با این ریاضت روحانی، باید پرسید تا چه اندازه‌ای می‌خواهیم آن تمایلات دنیوی را نابود سازیم، مخصوصاً آن چیزهایی که از آنها لذت می‌بریم.

سی. اس. لوئیس در کتاب «جدایی عظیم» از این تصویر استفاده کرده، می‌گوید که مردی بود که مارمولکی بر شانه‌اش نشسته بود؛ این مارمولک نمایانگر شهوت بود. صدایی به گوشش می‌رسد که می‌گوید:

«تو به این احتیاج داری؛ برایت خوب است...» وقتی فرشته می‌پرسد: «آیا بکشمش؟»، اولین عکس‌العمل این مرد این است که بگوید «نخیر!» مانند آگوستین که اینطور دعا می‌کرد: «خدایا، پاکدامنی را به من بده، اما الان نه!»

پس ما باید در زمینهٔ این تمایلات

دنیوی به خود ریاضت بدهیم. بیهوده نیست که پولس می‌گوید: «برای شهوات جسمانی تدارک نسینید» (رومیان ۱۳:۱۴). برای موفقیت در این مسابقهٔ دو، باید اول «از هر قید و بندی و هر گناهی که دست و پای ما را بسته است، آزاد شویم» (عبرانیان ۱۲:۱). بعد از این سالها من یاد گرفته‌ام که این یک تجربه روزانه است. شاید به خاطر این خداوند ما فرمود که «... همه روزه صلیب خود را بردارید...» (لوقا ۹:۲۳).

کدورت با دیگران

همچنین در مورد روابط ما با دیگران، ما وظیفه داریم که در نور راه برویم و نسبت به یکدیگر بردبار باشیم و اگر کسی با دیگری کدورتی دارد او را ببخشیم (۱۳:۳). ما باید همیشه این اصل را در زندگی خود پیاده کنیم. من تعجب می‌کنم و از کار بعضی از خادمین سر در نمی‌آورم که وقتی می‌دانند که بین ایشان و کسی دیگر مسأله‌ای هست، اجازه می‌دهند که این رابطه قطع شده و تلخی، سالها سر جای خودش بماند. اما پولس به یاد ما می‌آورد که به عنوان اعضای یک بدن خوانده شده‌ایم که با یکدیگر در صلح و آرامش بسر ببریم (۱۵:۳).

این سهم ما بود. حالا به سهم یا نقش مسیح در عوض شدن ما توجه می‌کنیم.

سهم مسیح: ریاست او

مسیح باید بر ما ریاست کند

مسیح سر همه ریاست‌ها و قدرت‌هاست و در همه چیز برتری از آن اوست (کولسیان ۱:۱۸؛ ۲:۹). پس همان مسیح که می‌خواهد حاکم بر تمام افکار و اعمال ما باشد، باید

ریاست بکند. و همان مسیح که مطابق ۴:۳ و ۱۱ زندگی ماست و همه چیز و در همه است، به ما قوت خواهد داد و ما را تقویت خواهد بخشید. به همین دلیل ما باید در او بمانیم و او در ما، چون نمی‌توانیم جدا از او کاری انجام دهیم (یوحنا ۱۵:۵). ما الان نمی‌توانیم حیات درونی مسیح را با چشمان خود ببینیم، چون به قول ۳:۳، زندگی ما با مسیح در خدا پنهان است. اما وجود این حیات درونی یک واقعیت است و وقتی مسیح که زندگی ماست ظهور کند، آنگاه ما نیز همراه او ظاهر خواهیم شد (۴:۳).

آیا مایلیم مسیح همه جا با ما بیاید؟

البته بودن مسیح با ما، هم جنبه مثبت دارد و هم جنبه منفی. ممکن است به جاهایی برویم یا چیزهایی بگوییم یا کارهایی بکنیم که ترجیح بدهیم که حضور مسیح آنجا نباشد!

لذا پولس می‌فرماید «صلح و آرامش مسیح بر دلهایتان حکمفرما باشد... بگذارید کلام مسیح با همه غنا و کمالش در شما ساکن گردد... و هر چه کنید، چه در سخن گفتن و چه در عمل، همه را به نام خداوند عیسی انجام دهید...» (۳:۱۵ و ۱۶ و ۱۷).

دعای من

دعای من برای خودم این است که در او بمانم تا در وقت ظهور او نه تنها احساس شرمندگی نکنم، بلکه با اطمینان به حضورش حاضر شوم (اول یوحنا ۲:۲۸). خدا کند که همصدا با پولس بتوانم به دیگران بگویم: «از من پیروی کنید همانطوری که من از مسیح پیروی می‌کنم» (اول قرنتیان ۱:۱۱).

مسح الهی

و اهمیت آن در خدمت خادم



نوشته کشیش ادوارد هوسپیان

بخش سوم: دید روحانی

داشتن دید روحانی و الهی مغرور نیز نمی‌شود. بسیار دیده شده است که افراد برای دید روحانی‌شان با دیگران درگیر شده‌اند و خواسته‌اند با تکیه بر کوشش‌های انسانی و با زرنگی‌های شخصی به جاه‌طلبی‌های خود برسند؛ ولی در عمل بعد از مدتی این دید فروکش کرده و بی‌ثمر و بی‌نتیجه مانده است.

دید روحانی چه هست!

یک فکر ثابت الهی است

● دید روحانی یک فکر ثابت الهی می‌باشد که ابتدا در ذهن انسان از طرف خدا شروع می‌شود و سپس رشد و نمو می‌کند. به عبارت دیگر، نطفه دید روحانی نخست در فکر خادم به وجود می‌آید، رشد می‌کند، شکل می‌گیرد، و سرانجام به صورت دیدی کامل و مشخص و عملی ظاهر می‌شود. چنین دیدی ثابت می‌ماند چون از جانب خداست. سلیمان حکیم می‌فرماید: «فکرهای بسیار در دل انسان است، اما آنچه که ثابت ماند، مشورت خداوند است» (امثال ۱۹: ۲۱).

آتش است در دل خادم

● دید روحانی همچون آتشی است که از (بقیه در صفحه ۱۰)

هم نیست. به عبارت دیگر، دید روحانی با داشتن آرزو فرق می‌کند.

● دید الهی داشتن افکار رؤیایی و تخیلات غیرواقعی نیست.

● دید روحانی دادن شعارهای زیبا اما توخالی و بدون کاربرد و ضمانت اجرایی نیست.

وقتی همه چیز را مانند خدا ببینیم، مانند خدا نیز فکر خواهیم کرد. وقتی مانند خدا فکر کنیم، مانند خدا نیز سخن خواهیم گفت. و وقتی مثل خدا سخن بگوییم، مثل خدا نیز عمل خواهیم کرد.

● دید الهی تقلید از سخنان و روش‌های سایر خادمین نمی‌باشد. به عبارت دیگر، شخص دید و رؤیای دیگران را از آن خود نمی‌سازد و بر آنها تکیه نمی‌کند.

● دید الهی با جاه‌طلبی‌های شخصی و انسانی تفاوت دارد. خادمی که دید روحانی دارد، برای رسیدن به هدفش در خدمت متوسل به زور و تلاش شخصی نمی‌شود؛ از

در شماره گذشته، در باره دو مفهوم مهم مسح الهی به بحث پرداختیم. این دو مفهوم عبارت بودند از:

(۱) مسح الهی، مکاشفه مستقیم و شخصی الهی است که از طرف خدا بر داوطلب خدمت آشکار می‌شود؛

(۲) مسح الهی به معنای داشتن اطمینان مطلق و شخصی از دعوت الهی است.

در این شماره، فقط در باره یک مفهوم مسح الهی مطالبی را با شما در میان می‌گذارم که در مورد آن، در قلم بار سنگینی برای خود و همه خادمین خدا احساس می‌کنم.

(۳) مسح الهی به معنای داشتن دید روحانی برای خدمت می‌باشد
اغلب می‌شنویم که خادمین می‌گویند: «ما برای فلان برنامه یا پروژه خدمتی دید و رؤیا داریم.» اما این «دید روحانی» یا دید الهی چیست؟ پیش از اینکه به تشریح این نکته بپردازم که «دید روحانی چیست»، ابتدا باید توضیح بدهم که «دید روحانی چه نیست».

دید روحانی چه نیست!

● دید روحانی، نظر و اعتقاد شخصی نیست.

● دید روحانی احساس و میل شخصی

(دنبالهٔ صفحهٔ ۴)

سوی خدا در قلب صاحب دید افروخته می‌شود و به مرور شعله‌ورتر شده، شخص را برای انجام خدمت مجهز می‌سازد. چنین آتشی در اثر سختیها و آزارها خاموش نمی‌گردد. چنین آتشی را در زندگی مردان خدا بسیار می‌بینیم. بارزترین نمونهٔ آن، ارمیای نبی است. او که در اثر جفاها و سختیهای کار از خدمت کلام خسته و ناامید شده بود، تصمیم گرفت که دیگر در بارهٔ خداوند با مردم سخن نگوید. اما به دنبال این تصمیم، ارمیا چنین چیزی را تجربه نمود: «... اگر نخواهم کلام تو را اعلام کنم و از جانب تو سخن بگویم، آنگاه کلام تو در دلم مثل آتش، شعله‌ور می‌شود که تا مغز استخوانهایم را می‌سوزاند و نمی‌توانم آرام بگیرم» (ارمیا ۹:۷-۲۰، ترجمه تفسیری). داود نیز عیناً همین تجربه را داشت (مزمور ۱۳۹:۳-۳).

واعظ بزرگی گفته است: «وقتی در اثر فشار شدید کار خدا خسته و ناامید و ترسان می‌شوم، استعفای خود را از خدمت آماده می‌کنم. ولی وقتی آن را به حضور خدا می‌برم، آتش روح القدس درون مرا می‌سوزاند. آنگاه با درخواست پوزش، استعفای خود را از خدا پس می‌گیرم.» کسی که از طرف خدا دید دارد، حتی در مشکلات و سختیها و فراز و نشیبهای خدمت، آتش ثابت الهی در درون او شعله‌ور است که غالباً همراه است با درد و بار قلبی و عشقی قوی برای انجام آن خدمت خاص.

نگریستن از دیدگاه خداست

● ولی روشنترین و جامع‌ترین مفهوم دید روحانی، «نگریستن از دیدگاه خداست.» یعنی اینکه خادم همه چیز و همه کس را آنگونه ببیند که خدا می‌بیند.

وقتی همه چیز را مانند خدا ببینیم، مانند خدا نیز فکر خواهیم کرد. وقتی مانند خدا فکر کنیم، مانند خدا نیز سخن خواهیم گفت. و وقتی

مثل خدا سخن بگوییم، در نهایت مثل خدا نیز عمل خواهیم کرد.

ما باید به روح القدس اجازه بدهیم که چشمان دل ما را روشن گرداند که نسبت به همه کس و همه چیز و مخصوصاً کار خدا و کلیسا و خدمت روحانی نگرشی الهی داشته باشیم. برای روشن شدن این موضوع به دوم پادشاهان ۱۷:۶ و ۱۸ و مزمور ۳:۱۳ و ۴ و لوقا ۲۴:۴۶ و افسسیان ۱:۱۷-۲۴ مراجعه بفرمایید. باید از خود پرسیم که ما چگونه و به چه نحوی موضوعات را می‌بینیم. با دید زمینی می‌بینیم یا دید آسمانی؟ از دیدگاه خدا می‌بینیم یا از دیدگاه انسان؟

تفاوت دید الهی با دید انسانی

● وقتی ما با دید انسانی به مسائل نگاه می‌کنیم، فقط زمان حال را می‌بینیم. ولی دید الهی آینده‌نگر می‌باشد.

● دید انسانی فقط به ظواهر امر نگاه می‌کند، ولی دید الهی به عمق موضوعات و امور نادیدنی می‌نگرد، زیرا که از قالبها و چهارچوبهای محدود بشری آزاد است.

● دید انسانی سبب می‌شود که ما مشکلات را بسیار بزرگ و خود را تحت تسلط آنها ببینیم؛ ولی دید الهی سبب می‌شود که ما مشکلات را آسان و زیر پایهای خود ببینیم و بر آنها چون خداوند چیره باشیم.

● دید انسانی در سختیها می‌پرسد: «چرا اینطور شد؟» ولی دید الهی می‌پرسد: «خدا در این شرایط چه پیامی برای من دارد؟ چه درسی را می‌خواهد به من بیاموزد؟ چه تغییری را می‌خواهد در من ایجاد کند؟ چه برکتی را می‌خواهد به من عطا کند؟ خدا چه برنامه و نقشه‌ای برای من دارد؟ برای چه کاری مرا آماده می‌کند؟» بله عزیزان، ما وقتی حتی به مشکلات و سختیها و دشمنان و جفاها با دید خدا می‌نگریم، و رای ظواهر امر را می‌بینیم. دیدگاه ما به‌طور کلی نسبت به سختیهای زندگی تغییر می‌یابد.

دید خود را وسعت ببخشیم

خدمتی که به‌طور خاص از طرف خداوند برای خدمت روحانی مسح شده باشد، نمی‌تواند بدون دید روحانی خدمت موفقیت‌آمیزی داشته باشد. متأسفانه کمتر دیده می‌شود که خادمین خدا در سطح جهان دارای چنین دید وسیع و مبارک و بزرگی باشند. ما دعوت شده‌ایم که از چهارچوبها و قالبها و محدودیت‌های فکری و بشری خود آزاد شویم. در کتاب اشعیا ۲:۵۴ و ۳ در باره دید روحانی به ما چنین دستور داده شده است: «مکان خیمه خود را وسیع گردان و پرده‌های مسکن‌های تو پهن بشود. دریغ مدار و طناب‌های خود را دراز کرده، میخهایت را محکم بساز، زیرا که به‌طرف راست و چپ منتشر خواهی شد و ذریت تو امت‌ها را تصرف خواهند نمود و شهرهای ویران را مسکون خواهند ساخت.»

مردان مسح‌شدهٔ خدا در کلام خدا دارای دید وسیع روحانی بودند. نمونه‌های آن در کتاب مقدس بسیارند: ابراهیم (پیدایش ۱۲:۱-۳)؛ یوشع و کالیب (یوشع ۵:۸-۸)؛ و اعداد ۳۰:۱۳ و ۳۱)؛ یوسف (پیدایش ۵۰:۲۲-۲۶)؛ داود (مزمور ۳۶:۱۸)؛ پولس رسول (اعمال ۲۷:۱۴ و اول قرتیان ۹:۱۶ و دوم قرتیان ۱۲:۲)؛ و عیسی مسیح خداوند (لوقا ۴:۴۳؛ متی ۱۹:۲۸؛ مرقس ۱۵:۱۶)؛ و یوحنا ۴:۳۵).

به‌علت اهمیت موضوع، در شمارهٔ بعدی در بارهٔ مشخصات کسی که دید روحانی دارد (یا خصوصیات دید الهی) به بحث خواهیم پرداخت. بیایید در پایان، همه ما هم مانند یعیص دعای دید روحانی را بکنیم و بگوییم: «کاش که مرا برکت می‌دادی و حدود مرا وسیع می‌گردانیدی و دست تو با من می‌بود و مرا از بلا نگاه می‌داشتی تا محزون نشوم» (اول تواریخ ۴:۱۰).

خدا به همه ما دید روحانی عطا بفرماید.

موضوع

موعظه‌تان چیست؟

از کشیش تیت استیوارت

ساختار کلی موعظه

خادم خدا وقتی تصمیم گرفت که می‌خواهد در باره کدام آیات موعظه تشریحی تهیه کند، باید ساختار یا تقسیم‌بندی‌های زیر را برای وعظ خود در نظر بگیرد:

● (۱) مقدمه؛

● (۲) متن موعظه که شامل دو یا چند

بخش کلی است؛ هر بخش کلی

نیز می‌تواند به بخش‌های فرعی

تقسیم شود؛

● (۳) نتیجه‌گیری و ترغیب به واکنش.

اما پیش از اینکه به تهیه ساختار فوق

بپردازد، باید نخست «موضوع اصلی» یا نکته

اصلی وعظ را بر اساس آیات انتخابی بیابد. او

باید بداند طبق آیات مورد نظر، راجع به چه

موضوعی وعظ خواهد کرد. نخستین گام عملی

برای تهیه موعظه، تعیین **موضوع** آن است.

اهمیت مشخص بودن موضوع

«موضوع موعظه چه بود؟»

برای همه ما پیش آمده که پس از پایان

(بقیه در صفحه بعد)

چراکه در این روش، واعظ پیام خود را فقط محدود به مطالبی می‌کند که در آیات مورد نظر آمده است. به علاوه، موعظه تشریحی روشی بوده که از ابتدا در کنایس یهود و بعد در کلیسای مسیح متداول بوده و هنوز نیز در اکثر کلیساها مرسوم می‌باشد.

خطر روش موضوعی در این است که

ممکن است واعظ با استفاده از آیات مختلف و

پراکنده، عقاید و نظرات و احساسات خود را در

آن مقطع زمانی به عنوان پیام خدا به شنوندگان

عرضه کند. از اینرو، دیده می‌شود که بعد از مرور

سالها، وقتی اندیشه و تجربیات واعظ دچار

تحول و تکامل شد - که قطعاً می‌شود - پیام

واعظ در خصوص همان موضوع تغییر می‌کند و

این امر موجب بروز سؤال برای شنوندگان و

سردرگمی ایشان می‌شود. به همین جهت، شما

را دعوت می‌کنیم تا موضوع موعظه و مطالب و

تقسیم‌بندی‌های آن را از خود آیات اخذ کنید تا

کلام خدا را به درستی و با یقین کامل موعظه

کنید.

اینک به بحث در باره روش تهیه موعظه

تشریحی و راه‌های عملی آن می‌پردازیم.

مروری بر شماره گذشته

در شماره قبل، به اختصار اشاره کردیم که موعظه را می‌توان به سه روش عمده تهیه کرد:

● **موعظه موضوعی:** در این روش، واعظ

یک موضوع روحانی یا اخلاقی را که در فکر یا

قلب خود دارد بسط می‌دهد و از ماجراها و

آیه‌های کتاب مقدس برای گفته‌های خود شاهد

می‌آورد.

● **موعظه آیه‌ای:** در این روش، واعظ

موضوع موعظه خود را از یک آیه اخذ می‌کند.

سپس می‌تواند جزئیات موعظه را یا از خود آیه

بگیرد یا از مطالب مورد نظر خود.

● **موعظه تشریحی:** در این روش، واعظ

دو یا چند آیه را انتخاب می‌کند و به تشریح و

تفسیر آنها پرداخته، بیان می‌دارد که مقصود

اولیه و اصلی این آیات در زمان نگارش چه بوده

است، بدون اینکه احساسات و برداشتها و عقاید

شخصی خود را بر آنها بپوشاند. آخرالامر، پیام

این آیات را به موقعیت امروزی شنوندگان

ارتباط می‌دهد.

اهمیت موعظه تشریحی: همانطور که در

آن شماره گفتیم، صاحب‌نظران معتقدند که

سالم‌ترین روش موعظه، روش تشریحی است،

(دنباله صفحه قبل)

معطوف سازد. پس در یک جمله، موضوع اصلی این مزمور این است: «چرا باید خدا را حمد گوئیم؟»

تا اینجا موضوع اصلی موعظه‌مان را تهیه کرده‌ایم. و حالا بخشهای اصلی آن. در آیه ۲، دو علت برای حمد خدا ذکر شده است: یکی اینست که «رحمت او بر ما عظیم است»، و دیگری اینکه «راستی خداوند تا ابد الابد است». این دو علت، دو بخش اصلی موعظه‌مان را تشکیل می‌دهند. اکنون هم موضوع اصلی موعظه‌مان را از آیات مورد نظر استخراج کرده‌ایم و هم تقسیم‌بندی آن را. این مزمور گرچه نمونه‌ای است بسیار ساده، اما امیدواریم روش کلی تهیه موعظه را بیان کرده باشد.

تازمانی که موضوع اصلی و عناوین بخشهای اصلی موعظه‌تان را از آیه‌های مورد نظر استخراج نکرده‌اید، برای وعظ کردن آماده نیستید. این کاری است دشوار و برای انجامش باید وقت صرف کرد.

ماجرای چوب‌بُر!

می‌گویند چوب‌بری بود که تمام روز سخت کار کرد اما نتوانست حتی یک درخت هم پُرد. او چوب‌بر دیگری را دید که دیرتر از او آمد اما چندین درخت برید. وقتی تحقیق کرد، پی برد که آن دیگری به این علت دیرتر آمد که ساعات اولیه روز را به تیز کردن اره و تبرش سپری کرده بود.

اگر می‌خواهید واعظ ثمربخشی برای خداوند باشید، باید نخست تبرتتان را تیز کنید. باید آنقدر آیه‌های مورد موعظه را مطالعه کنید و در موردشان تحقیق و بررسی کنید که بتوانید آنها را ساده و روشن بیان کنید. موعظه خوب آن است که نور کلام خدا را بر شنونده بتاباند و به او نشان دهد که چگونه باید از آن اطاعت کند.

بهترین روش این است که موضوع اصلی یا پیام مرکزی موعظه‌مان را «در یک جمله» بنویسیم. سپس عناوین بخشهای اصلی موعظه را تهیه کنیم تا بتوانیم به روشنی ببینیم که با توجه به موضوع اصلی موعظه، چه ارتباط منطقی بی باید میان این بخشها وجود داشته باشد. «جوئت» (J.H. Jowett) که به «معلم واعظین» معروف است، می‌گوید: «تا زمانی که نتوانیم موضوع موعظه‌مان را در یک جمله کوتاه و پر بار و روشن بیان کنیم، موعظه‌مان آماده نیست.»

تازمانی که موضوع اصلی آیه‌های موعظه را نیافته باشیم، قادر نخواهیم بود به تشریح و تفسیر درست آنها پردازیم و به شرایط واقعی زندگی شنوندگانمان مرتبط سازیم. این امر را باید با چنان دقت و تسلطی انجام دهیم که شنوندگانمان به روشنی درک کنند که موضوع و نکته اصلی موعظه‌مان چه بوده است.

«موضوع اصلی» موعظه همانند تنه درخت است و تقسیم‌بندی آن مانند شاخه‌ها. موضوع اصلی موعظه باید بر همه تقسیم‌بندیها حاکم باشد و آنها را هدایت کند.

یک تمرین

برای روشنتر شدن مطلب، مثالی می‌آوریم. فرض کنید می‌خواهیم بر اساس مزمور ۱۱۷ موعظه‌ای تشریحی تهیه کنیم. طبق آنچه که گفتیم، نخست باید موضوع یا نکته اصلی این مزمور را بیابیم. از آنجا که این مزمور ۲ آیه بیشتر ندارد، انجام این کار ساده است. پیش از ادامه مطالعه این مقاله، به این مزمور مراجعه کنید و در یک جمله کوتاه بگویید که موضوع اصلی این دو آیه چیست. در نگاه اول، ممکن است فکر کنیم که موضوع اصلی، «حمد خدا» است. اما اگر دقت کنیم، متوجه می‌شویم که نویسنده می‌خواهد توجه ما را به «علت حمد خدا»

موعظه از خود پرسیده‌ایم: «موعظه در باره چه بود؟» گاه نیز به شوخی می‌گوییم: «واعظ از کتاب پیدایش شروع کرد و تا مکاشفه موعظه کرد!» مردم ممکن است به احساسات و هیجانات مادر موعظه‌مان واکنش نشان دهند، با اینحال، در آخر موعظه ندانند موضوع بحث چه بود یا موضوع موعظه چه ربطی به زندگی آنان داشت. وقتی بالاخره موعظه‌مان تمام می‌شود، نفس راحتی می‌کشند و با کیسه‌ای پر از مطالب پراکنده و عمدتاً غیرعملی به خانه می‌روند بدون اینکه موضوع موعظه در ذهنشان مانده باشد.

تقصیر کیست؟

البته ساده‌ترین کار این است که تقصیر را به گردن شنوندگان خود بیندازیم و بگوییم که حواسشان پرت بوده است. اما شاید واقعیت این باشد که ما در انتقال درست مطلب و پیاممان موفق نبوده‌ایم. مشکل ما این است که گاه خودمان نیز نمی‌دانیم موضوع مرکزی و اصلی موعظه‌مان چیست. اگر موعظه تشریحی تهیه می‌کنیم، نمی‌دانیم کدام موضوع، پیام مرکزی و اصلی آن آیات را تشکیل می‌دهد. ممکن است متن را آیه به آیه تشریح کنیم، اما در پایان شنوندگان متوجه نشوند که پیام مرکزی ما چه بوده، تا چه برسد به اینکه بدانند چگونه باید آن را در زندگی خود به کار ببندند.

«در یک جمله»

در نتیجه، به هنگام تهیه موعظه تشریحی باید آنقدر آیه‌های مورد نظر را بررسی کنیم و آنها را مورد تعمق قرار دهیم تا پی ببریم که در قلب نویسنده آنها چه مطلبی شعله‌ور بوده است.

خادم در مقام مدیر

بخش یکم: تعریف مدیریت

خادم و مدیریت

خادم کیست؟ پاسخ روشن است: خادم کسی است که خدا را خدمت می‌کند. اما آیا این خدمت در خلأ یا در انزوا صورت می‌گیرد؟ اغلب اوقات نه. در اکثر موارد، خادم خدا در خدمت مردم است، خواه در خدمت مسیحیان، خواه در خدمت غیرمسیحیان.

در اینصورت، اگر خادم با مردم سر و کار دارد، چه بخواهد و چه نخواهد، در یکی از سطوح مدیریت و رهبری قرار می‌گیرد، چه رهبر در بالاترین سطح، چه در سطوح میانی یا پایین‌تر. اکثر خادمین در سطوح مدیریت میانی قرار دارند، یعنی عده‌ای را رهبری می‌کنند، اما خودشان نیز تحت رهبری افراد ارشدتر از خود می‌باشند.

به این ترتیب، خادمین مسیح جز در موارد استثنایی، در سمت رهبری و مدیریت قرار دارند.

موضوعی بحث‌انگیز

حال یک سؤال مهم پیش می‌آید: آیا خادم مسیح باید اصول رهبری و مدیریت را بیاموزد؟ اگر آری، آیا به‌کارگیری اصول مدیریت برخلاف هدایت روح‌القدس نیست؟

موضوع فراگیری علوم انسانی جهت استفاده در خدمت خدا، ممکن است در ذهن بعضی از خادمین این سؤال را پیش بیاورد که

دعوت کرده‌اید. حالا چه می‌کنید؟ برای پذیرایی از میهمانان خود چه گامهایی بر می‌دارید و چه مراحل را طی می‌کنید؟ نخستین کاری که انجام می‌دهید، چیست؟ بعد چه کارهایی می‌کنید؟ پیش از آنکه پاسخ ما را بخوانید، لحظه‌ای مکث کنید و بیندیشید؟

گام اول: فکر کردن!

همه ما بدون استثناء برای تدارک چنین میهمانی‌یی، نخست به‌نحوی طبق عادت خودمان، «فکر می‌کنیم». اول فکر می‌کنیم که میهمانان ما در چه سطحی قرار دارند و پذیرایی از آنها باید تا چه حد ساده باشد یا مفصل. سپس بر اساس پاسخی که به سؤال بالا می‌دهیم، فکر می‌کنیم که چه نوع خوراکی‌هایی آماده کنیم و به چه مقدار.

تا این مرحله، همه چیز در «فکر» ما اتفاق می‌افتد. پیش از دست‌به‌کار شدن، همه ما ابتدا به فکر می‌نشینیم. در غیر اینصورت، کار پذیرایی ما قطعاً دچار هرج و مرج خواهد شد.

گام دوم: کارهای عملی

اما پس از فکر کردن و برنامه‌ریزی، به آماده کردن یا خرید موادی می‌پردازیم که در برنامه‌مان قرار دارند. تحقیق می‌کنیم که چه موادی داریم و چه موادی را باید بخریم. درضمن، اگر می‌بینیم که به‌تنهایی قادر به (بقیه در صفحه بعد)

آیا چنین کاری با هدایت آزادانه روح‌القدس مغایر و متضاد نیست. آیا نباید گذاشت که روح‌القدس هر طور که می‌خواهد ما را در خدمت هدایت کند؟ آیا استفاده از وسایل انسانی، نظیر دانش و هنر مدیریت مغایر با توکل کامل به خدا نیست؟ آیا به‌کارگیری چنین فنون انسانی مغایر با کتابمقدس نیست؟ آیا با چنین کاری، دانش و فنون انسانی را جایگزین کار فوق‌طبیعی الهی نمی‌سازیم؟

این قبیل سؤالات و تردیدها کاملاً به‌جاست. طبعاً باید مراقب بود که کار خدا را به روش انسانی انجام ندهیم. پولس رسول می‌فرماید: «اسلحه جنگ ما جسمانی نیست...» (اول قرنتیان ۱۰:۴).

اما پیش از اینکه ببینیم استفاده از مدیریت با هدایت روح‌القدس مغایر است یا نه، باید ببینیم که اساساً مدیریت چیست. این سؤالی است کاملاً به‌جا. به‌قول ارسطو، بسیاری از مشکلات ما ناشی از ضعف ما در تعیین معنا و تعریف عبارات و اصطلاحاتی است که به‌کار می‌بریم. معنا و تعریف مدیریت چیست؟

نمونه مدیریت در آشپزخانه!

مدیریت یک میهمانی!

اجازه بدهید مدیریت را با ذکر مثالی ساده از زندگی روزمره تعریف کنیم. فرض کنید برای هفته آینده، هشت نفر میهمان برای شام

انجام همه کارها نیستیم، از کسی کمک می‌خواهیم. در مرحله بعدی به پختن خوراکیها می‌پردازیم. و در مرحله آخر، ترتیب پذیرایی از میهمانان را به‌هنگام ورودشان می‌دهیم.

گام سوم: نظارت بر پیشرفت کارها

اما یک کار مهم دیگر هم انجام می‌دهیم؛ و آن این است که در تمام مراحل عملی کار، دائماً توجه داریم که آیا همه چیز مهیا است و کارها طبق برنامه پیش می‌رود یا نه. توجه داریم به این امر که آیا کارها به‌موقع انجام می‌شود یا نه. کنترل می‌کنیم که آیا خوراکیها طعم مناسب را گرفته‌اند یا نه. درضمن، اگر از کسی کمک می‌گیریم، بر کار او نیز نظارت خواهیم کرد تا اطمینان حاصل کنیم که او نیز کارش را طبق برنامه و به‌درستی و به‌موقع انجام می‌دهد.

این است مدیریت!

نمونه فوق از زندگی روزمره، بارزترین تعریف مدیریت را به‌دست می‌دهد. در این نمونه عادی که همه ما با نظایرش سر و کار داشته‌ایم، تمام عناصر اساسی و مهم مدیریت و رهبری به‌کار رفته است.

حال، به یک طرح کلیسایی یا یک خدمت روحانی فکر کنید. مثلاً در نظر دارید یک فعالیت بشارتی را در سطح شهرتان به مرحله اجرا در آورید؛ یا می‌خواهید یک کنفرانس برگزار کنید. به‌طور طبیعی و طبق عقل سلیم که خدا در وجود ما قرار داده، آیا همین گامها را بر نمی‌داریم؟ پاسخ قطعاً مثبت است. اگر چنین است، بهتر است این گامها را به‌گونه‌ای اصولی‌تر و مؤثرتر و با آگاهی بیشتر بر داریم تا بهتر به هدف خود برسیم.

تعریف مدیریت

مدیریت را بر حسب حوزه‌های کاربردی آن می‌توان به‌گونه‌های مختلف تعریف کرد. اما از

میان این تعاریف، دو مورد زیر بیشتر به کار خادمین مسیحی می‌آید:

● مدیریت یعنی به‌کارگیری و به‌کار گماری منابع مادی و/یا انسانی برای رسیدن به هدفی معین.

● مدیریت یعنی علم و هنر متشکل کردن، هماهنگ نمودن، رهبری، و کنترل فعالیت‌های گروهی، برای نیل به هدف‌های مطلوب با حداکثر کارایی.

بار دیگر تعاریف بالا را بخوانید و در مورد تک‌تک اصطلاحات آن بسیندیشید. در اینصورت، حتماً توجه خواهید کرد که مقصود از مدیریت، رسیدن به یک «هدف» است. برای دستیابی به این هدف که از پیش تعیین شده، فعالیت‌هایی صورت می‌گیرد که عبارتند از به‌کارگیری، به‌کار گماری، متشکل کردن، هماهنگ کردن، رهبری، و کنترل. همه این کارها انجام می‌شود تا رهبر و گروهش به هدفی که تعیین شده، برسند. این هدف و فعالیت‌ها را عناصر مدیریت می‌نامند.

عناصر مدیریت

صاحب‌نظران علوم اداری، عناصر مدیریت را چنین تعیین و تعریف کرده‌اند:

● (۱) **تعیین هدف:** این مهم‌ترین عنصر مدیریت است. هر نوع فعالیتی که خادم مسیحی انجام می‌دهد، باید در جهت نیل به هدفی خاص باشد. اگر هدف مشخص و واضح نباشد، نه رهبر خواهد دانست برای چه منظوری همه این فعالیت‌ها را انجام می‌دهد، و نه اعضای گروهش.

● (۲) **برنامه‌ریزی:** برای رسیدن به هدف باید گامهایی برداشته شود و کارهایی تحقق یابد. نحوه انجام این کارها و امکانات و منابع مادی و مالی و انسانی موجود نیز باید تعیین شود. پیش از شروع به عمل، باید نخست برنامه فعالیت‌های لازم جهت نیل به هدف مشخص شود.

● (۳) **سازماندهی** (ایجاد تشکیلات): برای تحقق برنامه تعیین شده، باید سازمانی به‌وجود آید. منظور از سازمان، ساختمان و میز و صندلی نیست. باید مشخص شود چه دسته از کارها توسط چه کس یا کسانی انجام می‌شود، و وظیفه هر فرد در گروه چیست و روابط افراد با هم چگونه است و اینکه چه کسی از چه مقامی فرمانبری می‌کند.

● (۴) **رهبری:** دادن انگیزش به افراد برای اجرای کار و ایجاد هماهنگی میان فعالیت‌های مختلف جهت نیل به آن هدف خاص را رهبری می‌نامند.

● (۵) **کنترل و نظارت:** کارها در هر مرحله از اجرای آن، باید مورد ارزیابی قرار گیرد. بدون چنین کنترلی، مدیر نخواهد دانست که آیا کارها طبق برنامه و در جهت هدف پیشرفت می‌کند یا نه.

خادم و مدیریت و کتابمقدس

با چنین تعریفی، آیا می‌توان گفت که مدیریت روحانی است یا نه؟ گمان نمی‌رود. آنچه می‌تواند روحانی باشد یا نباشد، خادم است، نه وسایل او. البته منظور ما این نیست که خادم روحانی می‌تواند و مجاز است از «هر» وسیله‌ای استفاده کند. اما او مجاز است از آنچه که خداوند در نهاد بشر به ودیعت گذارده و مطابق با عقل سلیم نیز می‌باشد، برای خدمت به اربابش استفاده کند.

تعاریف فوق و عناصری که برشمردیم، زائیده تفکرات و تخیلات بشر یا پژوهشهای صرف او نیست. اینها را همگی در نحوه عمل مردان خدا که در سمت رهبری قرار داشتند، مشاهده می‌کنیم. در شماره بعدی مجله، ضمن اشاره به زندگی چنین افرادی از کتابمقدس، بحث در باره اهمیت مدیریت در خدمت خادم را ادامه خواهیم داد. ■

طرح کلی برای تهیه موعظه

از ت ت استیوارت

برای رشد روحانی چه بهایی باید پردازیم؟

اول قرنیتان ۱:۳-۲۳

۱- مقدمه

کتابمقدس تعلیم می دهد که هدف خدا این است که ما رشد کنیم و به شباهت مسیح در آییم. رشد ما باعث شادی خدا و عدم رشد ما باعث اندوه او می گردد. فکر می کنید نظر خدا در باره زندگی شما چیست؟ برای پاسخ به این سؤال، باید فصل سوم رساله اول قرنیتان را بررسی کنیم و مشخصات شخصی را که رشد روحانی ندارد کشف کنیم و درک کنیم که برای آغاز رشد چه بهایی باید پردازیم.

۲- مشخصات کسانی که رشد روحانی ندارند (اول قرن ۱:۳-۴)

- همچون اطفالند که نمی توان به آنان متکی بود (آیه ۱)
- قابل تعلیم نیستند (آیه ۲)
- توجهشان فقط به امور دنیوی است (آیه ۳)
- زندگی شان را احساساتشان هدایت می کند (آیه ۳)
- رضایت مردم را بیشتر از خشنودی خدا طالبند (آیه ۴)

۳- برای رشد روحانی چه بهایی باید پردازیم؟

- امروز انتخاب کنید که چه کسی را پیروی می کنید (آیه ۵)
- عیسی کیست؟ (متی ۱۳:۱۶-۱۶)
- چگونه باید از او پیروی کنم؟ (لوقا ۱۴:۲۴-۳۵)
- امروز انتخاب کنید که زندگی خود را بر چه بنیادی بنا می کنید (آیات ۱۰ تا ۱۵)
- بر صخره (متی ۲۴:۷-۲۷)
- بر شن
- امروز انتخاب کنید که روح القدس را منبع قدرت در زندگی خود بسازید (آیات ۱۶ تا ۱۷)
- بدن شما معبد روح القدس است (آیه ۱۶)
- روح القدس در شما زندگی می کند (آیه ۱۶)
- پس خدا را به واسطه روح القدس جلال دهیم

تربیبون آزاد

یکی دو تا از ایمانداران و همکاری کشیشان مهمان در شهر (...) آلمان پایه گذاری کردم. خداوند به توسط روح خود این کلیسا را رهبری می کند. ما همواره در دعا هستیم که در این شهر یا در این نزدیکی، خادم واعظی ساکن شود که خدمت خود را در این کلیسا ادامه بدهد. شما نیز در دعاها ما را به خاطر بیاورید...

همکار شما در مسیح

به دستم رسید که در اثر فقدان دختر جوانم، ماتم زده و داغ دار و مأیوس از محبت الهی بودم.

هنگامی که در مورد ادامه خدمت در شک و تردید به سر می بردم و پیوسته در دعاهایم از خداوند در این زمینه، سؤال می کردم و در انتظار پاسخ روزها را سپری می نمودم، ناگهان جواب را با خواندن مجله شبان دریافت داشتم و حالا با امید و نیروی تازه و استفاده از تجربیات دیگران، نام خداوند را جلال می دهم. کلیسایی را به خواست خداوند و کمک

نامه ای داشتیم از یکی از همکاران عزیزمان، از آلمان. بخشهایی از آن را در این صفحه درج می کنیم:

سلام به شما برادر عزیزم، ت ت استیوارت، و تمام خواهران و برادران ایماندار و خدمتگزار به خداوندان عیسی مسیح. خداوند به شما برکت فراوان عطا کند. نمی دانید چقدر خوشحالم که مجله شبان را دریافت می کنم، زیرا از مطالعه آن برکت و دلگرمی فراوانی گرفتم. به خصوص اولین مجله شبان زمانی

پتھان